

سرمقاله

شوخی با اسطوره‌ها بازی با هویت ایرانی



امیرافشار فتوحی دبیر تحریریه روزنامه صبا

ملت‌ها پیش از آن‌که از تهدیدهای سیاسی ضربه بخورند، از بی‌تفاوتی نسبت به نمادهایشان آسیب می‌بینند. وقتی اسطوره‌ها، نشانه‌ها و روایت‌هایی که هویت جمعی یک سرزمین را شکل می‌دهند به ابزاری برای شوخی سطحی یا مصرف سرگرمی تبدیل شوند، راه برای تحریف، جسارت و زیاده‌خواهی باز می‌شود؛ چه در رسانه‌های داخلی و چه در رفتار برخی کشورهای منطقه.

سال‌هاست که در ایران با چنین وضعیتی مواجهیم. هشت سال پیش، یکی از شرکت‌کننده‌های بخش خنداننده‌شوی برنامه «خندوانه» در برنامه‌ای تلویزیونی برای خندانان مخاطب از دستم و سهراب تانزاد آریایی را با ادبیاتی سخیف دستمایه شوخی قرار داد. چند روزی اعتراض شد، چند یادداشت نوشته شد، اما در میان محبوبیت برنامه‌هایی مثل «خندوانه» و «دورهمی»، موضوع خیلی زود فراموش شد. همان‌طور که سال‌ها پیش‌تر، وقتی در سریال «عطسه» نام سگ یکی از شخصیت‌ها «کوروش» انتخاب شد، واکنش چندانی شکل نگرفت. گویی پذیرفته شد که شوخی با نمادهای ملی، خط قرمز نیست.

در ماه‌های اخیر نیز یکی از چهره‌های مشهور اینستاگرام با لحن موهن به شاهنامه پرداخت. دستگاه قضایی ورود کرد، اما مسئله فراتر از یک برخورد موردی است. تا زمانی که سیاست‌گذاران فرهنگی، نهادهای نظارتی و سازندگان محتوا به فهم مشترکی درباره مرزهای شوخی و حرمت نمادهای ملی نرسند، این برخوردها فقط مسکن موقت‌اند.

نمونه تازه و جدی‌تر، برنامه «بازمانده» در یکی از پلتفرم‌های نمایش خانگی است. در یکی از چالش‌ها، شرکت‌کننده باید با پرتاب آجر، پازلی را که تصویر درفش کویانی روی آن نقش بسته، تخریب کند. این حرکت، نه یک بازی ساده، بلکه نشانه‌ای روشن از تحقیر نمادهای هویتی و تاریخی یک ملت است. درفش کویانی، برگرفته از قیام کوه آهنگر علیه ضحاک، نماد مقاومت، عدالت و هویت جمعی ایرانیان است. از دوره ساسانی تا قرون اسلامی، این درفش نشانه اقتدار، استقلال و هویت ایران بوده است. تخریب آن حتی در قالب یک بازی، نشان از ضعف آگاهی و غفلت فرهنگی دارد.

اما پرسش جدی‌تر متوجه ساترا است. نهاد نظاری که در بسیاری از موارد حتی صحنه‌های عادی سریال‌ها را با حساسیت بررسی می‌کند و گاه تا مرز توقیف محتوا پیش می‌رود، در برابر چنین توهینی به یک نماد تاریخی، هیچ واکنش مشخصی نشان نداده بود. اگر ساترا واقعا مدعی صیانت از فرهنگ عمومی است، چگونه ممکن است از کنار چنین ماجرای بی‌صدا عبور کند؟ واقعیت این است که پس از پخش و ویرال شدن برنامه «بازمانده» در پلتفرم «بازمانده‌بین» و واکنش‌های منفی گسترده، ساترا تازه به فکر توقیف آن افتاده؛ اقدامی که می‌توان آن را نمونه‌ای از «نوشدارو پس از مرگ سهراب» دانست. چطور است که برای برخی محتواها از لباس گرفته تا دیالوگ‌های روزمره، حساسیت‌های چندلایه وجود دارد، اما در برابر حمله مستقیم به هویت ملی، این حساسیت‌ها دود می‌شود و به هوا می‌رود؟ این دوگانگی، نته‌تها نظارت را بی‌اعتبار می‌کند، بلکه به سازندگان محتوا این پیام غلط را می‌دهد که «توهین به فرهنگ ایرانی خط قرمز نیست».

این بی‌تفاوتی درونی، بیرون از مرزها هم خود را نشان داده است. طی سال‌های گذشته برخی کشورهای همسایه، از ادعای جعلی بر جزایر ایرانی گرفته تا تحریف نام خلیج فارس، با اعتماد به نفس عجیبی قدم جلو گذاشته‌اند. رئیس‌جمهور ترکیه، کشوری که تا چند دهه پیش حضورش در تاریخ منطقه قابل توجه نبود، امروز با وقاحت ادعای مالکیت بر اسطوره‌ها و چهره‌های تاریخی ما را مطرح می‌کند. این اتفاق‌ها یک شبه رخ نداده‌اند؛ حاصل سال‌ها بی‌اعتنایی ما نسبت به میراث فرهنگی، ضعف در روایت هویت ملی و عادی شدن شوخی با اسطوره‌ها در رسانه‌هاست. وقتی ما خودمان نمادهایمان را مصرف روزمره طنز و سرگرمی می‌کنیم، چرا باید تعجب کنیم که دیگران هم آن‌ها را جدی بگیرند؟

مسئله امروز ما، علاوه بر سرگرمی و شوخی، به زمانه جنگ رسانه‌ای هم مربوط می‌شود؛ زمانی که دشمن فرصت نفوذ کفایت می‌دهد و ما نمی‌دهد و تلاش می‌کند ذهن جامعه و فضای فرهنگی را تحت تأثیر قرار دهد. چنین تحرکاتی، چه آگاهانه و چه از سر ناآگاهی، تمرکز مقابله با هجمه دشمن را از ما می‌گیرد و منابع و انرژی فرهنگی را هدر می‌دهد. وقتی اسطوره‌ها و نمادهای ملی هدف شوخی‌های سبک‌قرار می‌گیرند، بخشی از جامعه سرگرم حواشی شده و فرصت واکنش مؤثر به هجمه دشمن محدود می‌شود.

رسانه‌ها و پلتفرم‌های بزرگ باید بدانند هیچ محتوایی بی‌اثر نیست. حتی یک شوخی کوتاه می‌تواند ذهنیت فرهنگی جامعه را شکل دهد. طنز و سرگرمی می‌توانند روشنگر و انتقادکننده باشند، اما نمی‌توانند به نام خنده، ریشه‌های هویتی یک ملت را تحقیر کنند. مسئولیت رسانه‌ای، در چنین شرایطی، سنگین و غیرقابل چشم‌پوشی است.

همچنین، جامعه باید حساسیت فرهنگی خود را بازسازی کند. واکنش‌های احساسی و کوتاه مدت، جایگزین آگاهی تاریخی نمی‌شوند. نسل جوان اگر اسطوره‌ها و تاریخ سرزمین خود را نشناسد، در برابر تحقیر نمادهای بی‌دفاع خواهد بود. رسانه‌ها، نظام آموزشی، مستندسازان و هنرمندان باید برای ایجاد این آگاهی تلاش کنند.

در نهایت، مسئله تنها یک مسابقه با یک چهره اینستاگرامی نیست؛ مسئله یک روند است. روندی که نمادهای ملی را بی‌اهمیت می‌بیند و آن‌ها را برای سرگرمی مصرف می‌کند. اگر این روند اصلاح نشود، فردا شاید نه از رستم چیزی باقی بماند، نه از کوه، نه از درفش و نه از نام‌هایی که امروز برای حفظ آن‌ها تلاش می‌کنیم.

هویت ملی سرمایه‌ای است که باید از آن پاسداری کرد؛ نه با شعار، بلکه با آگاهی، نظارت درست، تولید محتوای مسئولانه و حساسیت اجتماعی. این وظیفه بر عهده نهادهای رسمی، رسانه‌ها، هنرمندان و تک‌تک ماست. تنها با چنین درکی می‌توانیم از میراثی محافظت کنیم که اگر از دست برود، چیزی از «ما» باقی نخواهد ماند.

«ناتور دشت» راهی باکو شد

فیلم سینمایی «ناتور دشت» به کارگردانی محمدرضا خردمندان و تهیه‌کنندگی مهدی فرجی، محصول سازمان سینمایی سوریه، در بخش رقابتی جشنواره باکو حضور خواهد داشت.

این جشنواره که در سال ۲۰۰۴ توسط مرکز فیلمسازان جوان آذربایجان تأسیس شد، به یکی از رویدادهای مهم سینمایی منطقه تبدیل شده است. جشنواره باکو هر سال محل نمایش فیلم‌هایی است که در جشنواره‌های جهانی موفق به دریافت جایزه شده‌اند و بیش از ۱۵۰ اثر از سراسر جهان ثبت نام و از میان آن‌ها بهترین‌ها انتخاب می‌شوند. «ناتور دشت» پیش از این در جشنواره مینسک موفق به دریافت دو جایزه شده بود. شانزدهمین دوره جشنواره باکو از ۱۴ تا ۱۸ آذرماه برگزار می‌شود.



صباخبر

«سمفونی باران» با کامبیز دیرباز و پدram شریفی کلید خورد

فیلمبرداری «سمفونی باران» به نویسندگی و کارگردانی علیرضا امینی پس از تکمیل مراحل نهایی پیش‌تولید در شمال کشور آغاز شد. این فیلم در ژانر درام عاشقانه ساخته می‌شود و الهه حساری، پدram شریفی و کامبیز دیرباز بازیگرانی هستند که در آن به ایفای نقش می‌پردازند. اسامی کامل سایر بازیگران و عوامل پشت دوربین در خبرهای بعدی رسانه‌ای خواهد شد.



مهر

گفت‌وگوی صبا با سیدصادق کاظمی، کارگردان مستند «صغری رئیس»

مستندی درباره آرامش و قدرت درونی

دفاعی انسان‌ها نیز انگیزه‌ای دیگر برای ساخت این مستند بود: «برای صغری، چوب‌ها آرامش و تکیه‌گاه روانی هستند و این موضوع برایم شگفت‌انگیز بود.»

روند ساخت فیلم از اواخر سال ۱۴۰۲ آغاز شد و نزدیک به دو سال به طول انجامید. کاظمی توضیح داد: «فضای روستا و موقعیت بصری آن اهمیت زیادی داشت و این باعث طولانی شدن روند تولید شد.» یکی از چالش‌های اصلی نیز جلب اعتماد خاله صغری ۱۰۲ ساله بود: «من ۲۷-۲۸ ساله هستم و باید با کسی ارتباط می‌گرفتم که حافظه‌اش در حال ضعیف شدن بود. خوشحالم قبل از این اتفاق توانستم فیلم را بسازیم و داستان زندگی او را روایت کنیم.»

کاظمی درباره تیم ساخت گفت: «بهترین‌ها را گرد هم آوردم چون صغری ارزشش را داشت. حضور فیلمبردار، تدوین‌گر، صدابردار و مشاوران حرفه‌ای باعث شد پروژه به خوبی به پایان برسد.»

او همچنین به اهمیت بخش دانشجویی جشنواره اشاره کرد: «این بخش برای اولین بار اضافه شده و فرصت خوبی برای دیده شدن آثار نسل جوان است. سینمای مستند در بسیاری موارد از سینمای داستانی جلوتر است، اما مشکل اصلی ارائه و رساندن فیلم به مخاطب است؛ نمایش در مدارس و دانشگاه‌ها می‌تواند مخاطب تازه بسازد.» مستند «صغری رئیس» به بخش مسابقه مستندهای کوتاه نوزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینماحقیقت» راه یافته است و روایتگر زندگی زن ۱۰۲ ساله‌ای است که با چوب‌ها غم و زندگی‌اش را مدیریت می‌کند.

سید صادق کاظمی، کارگردان مستند «صغری رئیس»، در گفت‌وگو با صبا درباره ایده اولیه این فیلم توضیح داد که ریشه آن در نخستین مستندش، «برابر انبیه»، دارد. مستند قبلی او دو سال پیش در جشنواره سینماحقیقت تندیس استعداد نو و در جشنواره تلویزیونی مستند جایزه بهترین کارگردانی را دریافت کرده بود. خاله صغری که در آن فیلم تنها چند پلان کوتاه داشت، پس از اکران‌های خصوصی، توجه زیادی را به خود جلب کرده بود و همین بازخوردها کاظمی را به پژوهش و ساخت مستند مستقل درباره او ترغیب کرد. کاظمی گفت: «شنیده بودم صغری پیرزن با مزه‌ای است و در روستا شناخته شده، اما وقتی برای پژوهش رفتم، متوجه شدم زندگی او بار دراماتیک عجیبی دارد. کاری که ده سال انجام می‌دهد، یعنی جمع کردن و مرتب کردن چوب‌ها جلوی خانه‌اش، در روستا معروف شده، اما لایه‌های شخصیت او بسیار عمیق‌تر بود.»

این مستندساز افزود: «خاله صغری را در اوردور می‌شناختم و شخصیت، اقتدار درونی و جایگاه او در خانواده و روستا، همراه با بار روان‌شناختی داستان چوب‌ها، من را کاملاً درگیر خود کرد. حتی همسر من گفت تو صغری را بیشتر از من دوست داری.» او ادامه داد که تحصیلات فوق‌لیسانس مشاوره خانواده و علاقه به مکانیزم‌های



صباخبر

«نوک ماشه» با حضور جوئل اجرتون نامزد احتمالی اسکار

سریال تازه نتفلیکس، «نوک ماشه»، درام اکشن با حضور جوئل اجرتون، نامزد احتمالی اسکار امسال، است. اجرتون در این سریال به نقش شخصیت منفی خاکستری می‌پردازد؛ رهبر یک گروه خلافکار متشکل از اعضای سابق عملیات ویژه ارتش که مهارت‌های خود را در خدمت یک سازمان زیرزمینی به کار می‌گیرند.

داستان حول تقابل این گروه با یک مأمور با سابقه پلیس می‌چرخد که قصد نابودی آن‌ها را دارد. کارگردانی سریال بر عهده جرمی سالیتر است و فیلمنامه توسط هریسون کوثری نوشته شده است. تولید شامل هشت اپیزود خواهد بود و فیلمبرداری پس از انتخاب بازیگر نقش مأمور پلیس آغاز می‌شود. اجرتون با آثار مستقل و غیرمتعارف خود شناخته شده و به ویژه بازی در فیلم «رویاهای قطار» که در جشنواره ساندنس تحسین شد، او را در میان منتقدان و تماشاگران جدی برجسته کرده است. او پیش‌تر در فرانچایز علمی-تخیلی «جنگ ستارگان» و اسپین‌آف «اوبی وان کنوبی» نیز حضور داشته است.



صباخبر

اسکارلت جوهانسون بار دیگر از وودی آلن دفاع کرد

اسکارلت جوهانسون، بازیگر مطرح سینمای جهان، بار دیگر از وودی آلن، کارگردانی که با او در فیلم‌های «امتیاز نهایی»، «اسکوپ» و «ویکی کریستینا بارسلونا» همکاری داشته، دفاع کرد. نزدیک به ۳۰ سال است که آلن جنسی مواجه است و جنبش #MeToo در ۲۰۱۷ موجب شد پرونده‌ای که بسته شده بود دوباره مطرح شود، فاصله او با هالیوود افزایش یابد و تأمین بودجه فیلم‌ها برایش دشوار شود.



جوهانسون در مصاحبه با تلگراف گفت به سادگی این ادعاها را باور نمی‌کند و همچنان از آلن حمایت می‌کند. او اعتراف کرد مطمئن نیست حمایتش از آلن چه تأثیری بر فرصت‌های یا روابط شخصی‌اش داشته است. این بازیگر پیش‌تر در ۲۰۱۹ هم از دوستی نزدیک خود با آلن دفاع کرده بود. جوهانسون و چند بازیگر دیگر، از جمله شان پن، پنه لوبه کروز و دایان کیتون، تأکید کرده‌اند که رفتار با آلن در برخی موارد ناعادلانه بوده و به بررسی مجدد حقایق نیاز است.

مهر